

نقش سیاست جغرافیائی (ژئوپولیتیک) در مدیریت استراتژیک^۱

نوشته دکتر حسام‌الدین بیان

اجرام که ساکن اندر این ایوانند
اسباب تردد خردمندانند
هان تا سر رشته خرد گم نکنی
کسانان که مُدبَرند سرگردانند
(خیام)

سرآغاز:

در مدیریت استراتژیک در بخش قدرت سیاسی که رکن بنیادی استراتژی ملی است سالهاست که نظریه سیاست جغرافیائی، منزلت و جایگاه ارجمندی را بدست آورده است.

بدست آوردن امنیت ملی یعنی حفاظت همه جانبه یک سرزمین در برابر هرگونه تهدید و تجاوز که مستلزم تکیه زدن به قدرت ملی یعنی مجموع نیروهای مادی و معنوی یک کشور است.

عدم توجه به مدیریت استراتژیکی و برآوردهای استراتژیکی در جهت تبیین و تثبیت مسائل سیاسی و تجزیه و تحلیل مختصات و مقدورات ژئوپولیتیکی و بررسی راههای وصول به اهداف اصلی یک سرزمین موجبات تزلزل در امنیت ملی می‌شود. امنیت ملی عبارت است از وجود شرایط ناشی از برقراری و حفظ و نگهداری و اقدامات حمایتی یک دولت و حکومت برای جلوگیری از نفوذ و اعمال قدرت بیگانگان در داخل و خارج از مرزهای یک کشور.

تکیه بر قدرت اقتصادی و فرهنگی و نظامی که ابزار توانایی بخش یک ملت برای وصول به نتایج مطلوب ملی می باشد، چیزی است متعلق به یک ملت که وجود و یا فقدان آن در سرنوشت و سعادت و رفاه کشور اثر دارد، و در ارتباط تنگاتنگ با سیاست جغرافیایی می باشد.

برای روشنگری بیشتر می توان به نقش ژئوپولیتیک در عامل اقتصادی استناد جست، علم اقتصاد عبارت است از بررسی و تحلیل روشهای کارساز در استفاده از زمین، کار، سرمایه و معلومات فنی برای تولید و توزیع و مصرف کالاها تا بشر بتواند با وسیله و یا بدون وسیله پول از منابع کمیاب به فعالیتهای خود در امر مصرف و تولید و توزیع، سازمان و سامان بگذرد. عامل اقتصاد در مدیریت استراتژیک فعالیتهای مربوط به مبادلات و معاملات پولی را تحلیل و بررسی می کند. در یک جمله کوتاه می توان گفت موضوع علم اقتصاد بررسی ثروتهای یک سرزمین است که علم سرزمین شناسی نامیده می شود.

به گفته «دیوید ریکاردو» در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات» (۱۸۱۷ میلادی) «زمین اگر مثل هوا فراوان بود، قیمتی نداشت ولی چون محدود است قیمت دارد، لذا ثمره زمین خوب و گرانبهاست».

پدیده ژئوپولیتیکی با واقع گرایی اقتصادی آفریده شد که می توان گفت مظهري است از قوانین دیالتیکی در راه تکامل جوامع انسانی و حکومتها در جهت تعیین سرنوشت مردم و یاری کردن انسانها در مقابل مشکلات اقتصادی. بدیهی است که پدیده های بدون محتوی و نامناسب جامعه ساز و انسان ساز نیست.

نتیجه تفکر واقع گرایی در قرن نوزدهم همسو با رخدادهای زندگی اجتماعی و تحلیل هوشیارانه واقعه های متناقض، ژرفنگریهای انتقادی را به جایی رساند که اهمیت سیاست جغرافیایی جوهر اصلی حکومت کردن را از ذهن گرایی به عینیت سوق داد و دانش نوینی را متجلی ساخت. اندیشمندان اعلام کردند که در مبارزه با بسی فرهنگی^۳ و تقدیرگرایی^۴ و هم گرایی^۵ که موجب بهره کشی^۶ از ثروتهای سرزمینی و تسلط جویها گردید و جهان را به شمال و جنوب و اول و دوم و سوم تقسیم کرد باید چاره ای اندیشید تا داروهای شفا بخش دگرگون ساز برای تسکین آلام جوامع ستم دیده با اندیشه خردمندان سازگار شود.

هنگامی که از جهان سوم سخن بمیان می آید کمتر کسی می داند که منشأ این نامگذاری چیست و نامگذار کیست؟ می گویند برای نخستین بار یک دانشجوی فرانسوی

3 - Philistinism

4 - Fatalism

5 - Fantasy

6 - Exploitation

به نام «آلفرد سوی»^۷ با استفاده از اصطلاح «دولت سوم» که در انقلاب کبیر فرانسه مورد استفاده قرار گرفت، از جهان سوم سخن بمیان آورد.

دولت سوم عبارت است از اکثریت ملت فرانسه قبل از انقلاب که حقوق و امتیازات اجتماعی و اقتصادی آنان توسط دو طبقه اشراف و دولت غصب شده و در اختیار آنان قرار گرفته بود. اصطلاح جهان سوم بتدریج عمومیت یافت و به کشورهای اطلاق شد که حقوق و امتیازات آنان توسط دو ابرقدرت شرق و غرب غصب شد.

کشورهای جهان سوم سرزمینهایی هستند که در بین خط استوا تا عرض جغرافیایی چین شمالی (مدار ۴۵ درجه) و از سوی دیگر عرض تبعی جنوبی (مدار ۵۰ درجه) قرار دارند که در حقیقت مالک سرزمینهای اصلی جهان و وارث ثروتهای خداداده نهفته در خاک می باشند، اما با داشتن این همه موهبتهای خداداده اسیر ضعف تولیدات غذایی، کشاورزی و ناتوانی در استفاده از منابع طبیعی و گرفتار رشد ناموزون جمعیت و بیکاری و درآمد اندک هستند. برای آنکه منابع سرشار و لایزال زیرزمینی و امتیازات سرزمینی و ژئوپولیتیکی آنان دستخوش تظاول ابرقدرتها شده است و خود نیز گرفتار ضعف مدیریت گریده اند. مدیریت صحیح کلید پیشرفت است. آنها که می توانند از منابع طبیعی و نیروی انسانی خود بهره بگیرند و کمتر آنها را به هدر بدهند، قادرند با سرعت بیشتری به رفاه و سعادت برسند. عکس این نکته نیز صادق است بر اثر فقدان مدیریت ملتها نمی توانند با سرعت به آرزوی خود دست یابند و عقب می مانند.

با یک نظر اجمالی می توان به اهمیت مدیریت استراتژیک در بهره برداری از موقعیت ژئوپولیتیکی پی برد. ضرر و زیان ناشی از ضعف مدیریت و برنامه ریزیهای استراتژیک و بکارگیری تواناییهای سرزمینی، موجب رکود پیشرفت این گونه جوامع و ناتوانی آنها در بکار بردن مواد اولیه و منابع طبیعی شده است.

برقراری خطوط اساسی و کارساز در چهارچوب یک نگرش کلان پس از تحلیل انتزاعی و افتراقی از ارکان و عوامل استراتژیکی است. به عبارت ساده همه این مشکلات ناشی از عدم توجه به اهمیت حیاتی ژئوپولیتیک و ابزار سیاست جغرافیایی می باشد. به همین مناسبت است که کشورهای بزرگ و کوچک جهان سوم احساس امنیت واقعی نمی کنند و حکومتها اطمینان کامل در جهت ثبات و برقراری امنیت ملی ندارند. ترس از دست درازیهای قدرتمندان به منابع طبیعی و ثروتهای سرزمینی و موقعیتهای حساس

ژئوپولیتیکی جهان سوم را بر سر دو راهی شرق و غرب مستحیر و سرگردان نگاه داشته و موجب شده است که تسلط جویان به عنوان قیم و مشاور و مستشار روانه این قبیل کشورها بشوند و دنیا عرصهٔ تاخت و تاز قدرتمندان گردد. در سال ۱۹۵۸ میلادی یعنی سی و دو سال پیش طرحهایی تدوین گردید و موافقت نامه‌هایی در سطح بین‌المللی به امضا رسید که از تحقیقات و مطالعات فضایی برای اهداف نظامی استفاده نشود، اما این تعهد که در سیزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد، نظریهٔ جنگ ستارگان را به دنبال داشت. در ۱۹۶۳ منع آزمایشهای هسته‌ای در سه محیط زمین و دریا و فضای کیهانی به امضای آمریکا و انگلستان و شوروی رسید ولی هیچگاه به حقیقت نپیوست.

با این ترتیب لازم است در ردهٔ مدیریت استراتژیک و رهبری سیاستها و خط مشیهای ملی که ضامن نفع ملی، مصالح ملی، تحقق هدفهای ملی و امنیت ملی می‌باشد، متکی به دانش ژئوپولیتک بود.^۸

سیاست جغرافیایی ژئوپولیتک

سیاست جغرافیایی را با جغرافیای سیاسی^۹ نباید اشتباه کرد که هدفش تنها مطالعه کاملاً جغرافیایی است و ارتباط بین پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی و اقتصادی و سیاسی و انسانی را تحت بررسی و مذاقه قرار نمی‌دهد. سیاست جغرافیایی عبارت است از تعیین سیاست یک کشور بر مبنای عوامل جغرافیایی بخصوص وضع طبیعی آن. در مطالعات ژئوپولیتیکی سیاست‌شناسان و مدیران استراتژیک هنگام تعیین خط مشی به برقراری روابط بین عوامل جغرافیای طبیعی یک سرزمین بخصوص موقعیت کلیدی آن و سمت، منابع، آب و هوا، دسترسی به آبهای آزاد، متکی بودن به کوههای سربفلک برافراشته، وجود آبراههای بین‌المللی، کانالهای حساس و راههای ارتباطی دریایی توجه کامل دارند.

۸ - خط مشیهای ملی یعنی راه کارهایی که برای وصول به اهداف ملی معین و مشخص و تدوین می‌گردد. نفع ملی عبارت است از آرزوها و آرمانهای مداومی که یک ملت به خاطر آن تلاش می‌کند.

مصالح ملی عبارت از تصمیمات عمومی و خط‌مشی‌هایی است که مدیران استراتژیک جهت حفظ و حراست کبان و امنیت ملی مشخص می‌نمایند تا هدفهای ملی حاصل گردد.

هدف‌های ملی عبارتند از مقاصد معین بر پایه ارزشهای شناخته شده و جهان‌بینی خاص و معتقدات و مقدسات یک ملت که ضروری و لازم تشخیص داده شده است و متکی به اصول نسبتاً باثبات و روشهای مداوم در جهت قبول تعهدات ملی می‌باشد. تعهدات ملی عبارتند از تعهداتی که به منظور پشتیبانی یک سیاست ملی مخصوص پذیرفته شده و سیاست خارجی یک ملت را در برمی‌گیرد.

در یک جمله کوتاه جهت تبیین معنای ژئوپولیتیک باید گفت که، سیاست جغرافیایی به هدف و روش^{۱۱} مطالعه این عوامل توجه خاص دارد. به عبارت ساده تر در ژئوپولیتیک عوامل جغرافیایی که در سیاستگذاری مؤثر هستند، مورد تحلیل و تجزیه و ریزینی^{۱۲} قرار می گیرند تا بتوان آثار هر کدام از نظامهای تابعه را شناخت و مسأله در یک تفکر نظام داروسیستمی به سیاست کشور تحقق علمی و عملی بخشید.

رابطه سیاست جغرافیایی با سیاست بین المللی

توجه به عوامل جغرافیایی در مدیریت استراتژیک در یک کشور یا منطقه و قاره به حدی است که می تواند نقش اعجاب آفرینی در سیاست بین المللی داشته باشد. انتخاب خطوط اصلی سیاستهای داخلی و خارجی متکی به عوامل متعدد ژئوپولیتیکی می باشد. سیاست جغرافیایی از سیاست بین المللی جدا نیست. علم سیاست را به علم دولت و رشته ای از علوم اجتماعی که مربوط به نظریه های سازمانها حکومت و اعمال دولت است، تعبیر می کنند. موضوعاتی از قبیل پیدایش دولتها توصیف و مقایسه قوانین اساسی موجود، سیستمهای حکومتی، جریانهای سیاسی، سیستمهای حقوقی، قوانین موضوعه و سازمانهای در ارتباط با آنها از تبعات مختلف علم سیاست هستند.

سیاست تنظیم و کنترل مناسبات بین المللی و کوشش در بسط و توسعه علم سیاست در بسیاری از رشته ها در ارتباط با تاریخ، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، آمار، حقوق، مردم شناسی، فلسفه و بالاخره سیاست جغرافیایی یا ژئوپولیتیک در سالهای اخیر توجه دانشمندان علم سیاست را شدیداً جلب کرده است. به طوری که به علت اهمیت فراوان این علم در دانشگاهها رشته های اختصاصی بوجود آمده و با گسترش آن در مدیریت استراتژیک و سیاست خارجی در مورد مسائلی از قبیل قدرت ملی رکن پرارجی را به عنوان یکی از عوامل دولت بنا کرده است. در اداره امور یک کشور پیروی از اصول و قواعد استراتژیک برای پیش برد مقاصد ملی از این رکن استفاده می شود. دانشمندان این رشته در کنار سیاستگذاران جهانی نقش رایزنان خط اول را بازی می کنند.

پیشبرد هدفهای ملی به قدرت نیاز دارد و سیاست حلقه ای است که قدرت را برای رسیدن به هدفها مربوط می سازد. برای رسیدن به هدفهای ملی انتخاب بهترین راه و اتخاذ خط مشی ملی با کاربردی مؤثر می تواند سیاست ملی را با طرح ریزیهای استراتژیک به سوی

تحقق بخشیدن آرمانهای یک کشور هدایت کند که در نتیجه آن راه کارهای انتخاب شده دارای روح ارزشها و آرمانهای ملی در جهت تأمین امنیت، استقلال ارضی، بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی، بالا بردن دانش عمومی و تقویت قوای دفاعی خواهد بود.

اگر منافع حیاتی و امنیت ملی یک کشور تحقق پذیرد، موجب جلب احترام سایر کشورها نسبت به مقدسات ملی آن کشور همراه با حسن تفاعم در جهت حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد.

خط مشی دفاعی و ژئوپولیتیک

خط مشی عمومی و سیاستگذاری یک سرزمین شدیداً تحت تأثیر عوامل ژئوپولیتیکی و اقتصادی و قدرت دفاعی نیرومند و ظرفیت تنظیم عقلانی سیاستهای خارجی و توان اجرای این سیاستها توسط مدیران استراتژیک قرار دارد. مدیریت استراتژیک ژئوپولیتیک یعنی بکارگیری مؤثر وسایل و امکانات سرزمینی جهت توجه و قضاوت جهان و منحرف کردن رقبا و همدار دادن به سلطه‌جویان بین‌المللی با اعمال دیپلماسی توأم با مسهات تا موجبات هدایت سیاست خارجی و مناسبات احترام‌آمیز در سطح بین‌المللی بشود. بدیهی است اعمال سیاست کارساز مستلزم داشتن سیاستمداران متخصص در جمع‌آوری اطلاعات استراتژیک برای مدیران و رهبران استراتژیک است. قوام بخشیدن به امنیت ملی در گرو این اطلاعات است تا بتوان در سایه آن طرح‌ریزیهای استراتژیک اقتصادی و نظامی در جهت تقویت قدرت سیاسی و اعمال سیاست مدبرانه خارجی به عمل آورد و به هدفهای سیاسی دست یافت. پشتیبان امنیت، نیروهای نظامی قدرتمند و آموزش دیده و مجهز، جنگ‌افزارهای پیشرفته هستند چون هنگامی که مساعی سیاسی در جهت حفظ امنیت ملی عقیم ماند، قدرت نظامی در خدمت مدیران استراتژیک قرار می‌گیرد؛ پس قدرت نظامی باید مطابق خط‌مشی سیاسی بر پایه امکانات ژئوپولیتیکی طرح‌ریزی بشود. تکنولوژی جدید و توان سلاحهای مخرب اتمی و هسته‌ای که با قدرتی فراتر از پنجاه مگاتن به مرحله آزمایش گذاشته شده، و وجود موشکهای قاره‌پیما در زمین و آسمان و دریا که می‌تواند مسافت بین قاره‌ها را طی کند چهره جهان را دگرگون کرده است. چندی پیش در یک رساله پژوهشی نوشته شده بود که هرگاه یک حمله گسترده سریع به پنجاه منطقه پرجمعیت آمریکا صورت گیرد نتیجه آن نابودی ۵۵ درصد جمعیت این مناطق و نابودی و انهدام ۷۵ درصد از صنایع سنگین کشور آمریکا خواهد بود. چنین حمله‌ای می‌تواند حدود

شصت تا شصت و پنج میلیون کشته و زخمی بر جای گذارد.

در تدوین خط‌مشیهای استراتژیک، هم‌آهنگی بین عوامل سیاسی و نظامی در تنظیم مدیریت استراتژیک از اهمیت فراوانی برخوردار است، قدرت ژئوپولیتیکی جوهر تعیین خط‌مشی است. تنظیم هدفهای سیاسی بدون پشتیبانی نیروهای نظامی قدرتمند مصیبت‌بار است. سیاستگذاری و استراتژی نظامی دو بخش غیرقابل تفکیک هستند. اگر بکارگیری نیروهای مسلح فاقد کنترل سیاسی باشد، منجر به خونریزیهای بی‌ثمر و انسان‌ستیز می‌گردد. نقش سازمان امنیت ملی هر کشور در جهت رسیدن به آرمانها به یک مرکز اطلاعات مجهز و بهره‌برداری از اطلاعات استراتژیک به‌هنگام، در جهت اتخاذ تصمیمات استراتژیک و ژئوپولیتیک نیاز دارد. اگر به عوامل ژئوپولیتیکی توجه نشود، ماهیت بازپسین تصمیمات استراتژیک از دیدگاه ناظران و گاهی خود تصمیم‌گیرندگان پوشیده می‌ماند. مدیران استراتژیک در الگوی کلاسیک به نظر «گراهام تی الیسن»^{۱۲} بازیگرانی خردمند هستند که در مقابله با مشکلات استراتژیکی راه کار خاصی را انتخاب و به آن عمل می‌کنند. با وجود اینکه اهمیت بازیگران خردمند در مدیریت استراتژیک روشن است، توجه به مکانیسم درون مرزی که متکی به عوامل ژئوپولیتیکی می‌باشد، الگوی انتخاب را آسان می‌سازد.

مدیریت استراتژیک در حقیقت تحلیل و توضیح عملها و عکس‌العملهای پیچیده ملی برای اتخاذ تصمیم همراه با امتیازآوری در یک بازی به هم پیوسته و مناقشات داخلی و بین‌المللی می‌باشد. به خصوص در شرایط بحرانی رفتار استراتژیک حساب شده حرکات تاکتیکی مجریان را توجیه می‌کند.

ژئوپولیتیک و روابط بین‌الملل

پس از بی‌پایه شدن مکتب روابط بین‌المللی سنتی که حاکم بر مناسبات حکومتها بود، در اواخر قرن نوزدهم مکتب نوینی بر اساس مطالعه زندگی مادی و معنوی جوامع انسانی بوجود آمد. این مکتب جوامع انسانی را بر مبنای روابط موجود میان مردم و محیط جغرافیایی از دیدگاه ژئوپولیتیک مورد توجه و امعان نظر قرار داد. شرایط مادی زندگی و ساخت و تحولات اقتصادی متکی بر امکانات و خصوصیات سرزمینی که از نیروها و ذخایر ژرف خدا داده الهام می‌گرفت از مخلوطی به نام جغرافیای تاریخی^{۱۳} که محیط طبیعی را با رفتار و منش ملتها در تماسهای سیاسی و تجاری توجیه می‌کرد، گفتگو به میان آورد و کتابی

در این زمینه تحت عنوان «سیاست خارجی دولتها و جغرافیای آنها» توسط دانشمندی به نام «ژ - گوتمان»^{۱۴} در پاریس انتشار یافت.

به دنبال اشاعه نظرات این دانشمند مبنی بر اهمیت سیاست جغرافیایی دانشمندان دیگری به نام «راتسل»^{۱۵} گفت: «مفهوم دولت از مفهوم سرزمین و ژئوپولیتیک غیر قابل تفکیک است»

دانشمندان سیاست‌شناس نظر دادند که عوامل سرزمینی و جغرافیایی سرنوشت‌ساز است و می‌تواند قدرت دولتها را تقلیل و یا افزایش دهد. آثار شرایط اقلیمی، مثل رودخانه‌ها،^{۱۶} کوهستانی بودن، وجود آبهای راکد و جاری در عالم استراتژی نظامی نقش بزرگی دارند. و در زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نیز بسیار مؤثرند. اراضی حاصل خیز و نوع خاک، چهره اقتصادی و کشاورزی اقتصادی کشور را متحول می‌سازد مثل خاکهای سیاه چرنوزیوم^{۱۷} در شمال کشور چین و اوکراین.

آگاهی از موقعیت و مکان فیزیکی کشورها در برقراری روابط بین‌الملل فوق‌العاده مؤثر است و می‌تواند در صحنه بین‌الملل شامل حال یک کشور کوچک و کم‌وسعت نیز باشد؛ اما این اهمیت در سایه سیاست جغرافیایی (ژئوپولیتیک) به دست می‌آید چه بسا کشورهای بزرگ و وسیع در تاریخ بشریت با وجود داشتن ذخائر و منابع کلان زیرزمینی چنین اثری را نداشتند. باید پذیرفت که مکان و موقعیت جغرافیایی و موضعها دارای ارزش سیاسی بسیاری هستند. دسترسی به دریاها و سواحل دریایی مزایای بسیاری به سرزمین‌ها می‌بخشد مثل سنگاپور که در سال ۱۹۸۹ به علت داشتن موقعیت حساس ژئوپولیتیک^{۳۳} میلیارد دلار در آمد ارزی و مالی داشت. دست یافتن به اقیانوسها موجب آسانی تردد می‌گردد در حالی که متکی بودن به راههای موجود در خشکی علاوه بر لزوم احداث جاده‌ها و تأسیسات گران‌قیمت به علت تغییرات جوی و آب و هوا مشکلات زیادی در بر دارد - بخصوص اهمیت ژئوپولیتیک دریاها در قرن نوزدهم به دلیل توسعه روزافزون مبادلات صنعتی - پس از انقلاب صنعتی - بیش از پیش آشکار گردید. و تلاش برای دسترسی به دریای آزاد و آبهای گرم برای نظارت و کنترل بر راههای عبور و مرور و موقعیتهای ژئوپولیتیک صدچندان گردید. اهمیت معابر تاریخی در صورت داشتن قدرت لازم برای کنترل و در مواقع ضروری بستن این شاهراههای حیاتی برای صاحبان و دارندگان این قبیل معابر اعتبار بسیاری آفرید و امتیاز بزرگی به حساب آمد در این باره می‌توان از آبراههای

استراتژیکی مهمی چون بسفور و داردانل در ترکیه، تنگه سی سیل و تنگه‌های دانمارک در اروپا، تنگه باب‌المنذب، تنگه مالاکا و از دیدگاه ایران و جهان از همه مهمتر تنگه هرمز در خلیج فارس را نام برد.

و با این ترتیب موقعیت سرزمینها، وسعت خاک و ذخایر و ثروت‌های یک کشور شرایط طبیعی و جغرافیایی مناطق نقش قاطع و سرنوشت‌ساز ژئوپولیتیک را در توجیه امنیت ملی و قدرت ملی به صورت بارزی نشان می‌دهد.

نظریه پردازان سیاست جغرافیایی (ژئوپولیتیک)

نظریه دانشمندی به نام «هوس هوفر»^{۱۸} آلمانی که مبشر و مبلغ اهمیت مکتب و علم ژئوپولیتیک است بعد از ۱۹۱۹ میلادی تحولات شگرفی در برهم زدن تعادل و درهم ریختن مرزها و نقشه‌های جغرافیایی جهان بوجود آورد وی در سال ۱۹۲۴ میلادی مجله‌ای به نام «ژئوپولیتیک» انتشار داد و روی نقشه‌های رنگین همراه با پژوهشهای علمی نقاط طبیعی قدرت را مشخص نمود و اظهار کرد که علوم سیاسی از سیاست جغرافیایی جدا نیست، بلکه علوم سیاسی مبانی سیاست جغرافیایی شمرده می‌شود «هوس هوفر» اعلام کرد:

«ژئوپولیتیک تحقیق در رابطه میان زمین و سیاست است» علم ژئوپولیتیک باید نشان بدهد که چگونه عوامل جغرافیایی سیاستها را معین می‌کنند. دانش ژئوپولیتیک نفوذ و اثر آب و هوا، پستیها و بلندیها، نوع جنگلها و نباتات، دریاها، و موضع و مکان کشورها را در حیات و عظمت جوامع انسانی مورد پژوهش و بررسی قرار می‌دهد. نتیجه این تجزیه و تحلیلها و واقعتهای قابل لمس و قوانین اثبات شده‌ای می‌باشد که رهبران بزرگ و زمامداران و مدیران استراتژیک را قادر می‌سازد خط مشیهای عملی و کاربردی و سیاستهای توان‌بخش ابداع و اتخاذ کنند.

هر اقدام که خارج از چهارچوب ژئوپولیتیک باشد نمی‌تواند پایدار بماند و دوام داشته باشد.

تکیه بر ژئوپولیتیک و دانشمندان نظریه پرداز مثل «راتسل» و «هوس هوفر» که متکی به انعطاف‌پذیری است نظریه لزوم فضای حیاتی^{۱۹} را تجویز کرد، این نظریه موجب تجلی نهضت ناسیونال سوسیالیترم (نازی) در آلمان گردید و جنگ خانمانسوز دوم بین الملل را در پی داشت. جهان زیست‌شناسی و محیط سیاست جغرافیایی^{۲۰} توسط «هوس هوفر» وارد

دنیای اقتصادی و سیاسی گردید.

مکتب ژئوپولیتیک قدرت زمین را منشاء هرگونه تسلط سیاسی می‌داند. کشف ذخایر نفتی و اورانیوم به این اندیشه قدرت بخشید و کشور گمنامی مثل کنگو در سال ۱۹۴۵ به علت داشتن اورانیوم از اهمیت خاص برخوردار گردید. و سرزمینهایی چون کویت و ابوظبی و دُبی و صحرای عربستان و لیبی نقش حیاتی در نقشه جغرافیایی جهان به دست آوردند، که البته منشاء این امتیازات داشتن ذخایر حیاتی نفت بود، تا جایی که درآمد سرانه این کشورها در ردیف اول تا دهم بین کشورهای بزرگ و صنعتی جهان قرار گرفت. همچنین قرار گرفتن لیبی در کنار مدیترانه و نزدیکی آن به جبل الطارق و عربستان سعودی در مدخل دریای سرخ و در کنار اقیانوس هند از اهمیت ژئوپولیتیکی خاصی برخوردار هستند، زیرا بحر احمر از طریق ترعه سوئز به مدیترانه راه دارد و از کنار اسیوپی (حبشه) و سومالی، مصر و صحرای اوگادن در افریقا و بنادر مشهوری مثل باربارارد می‌شود و از سوی دیگر در کنار کشورهای آسیایی مثل یمن شمالی و جنوبی قرار گرفته‌اند.

هدفهای ملی و ژئوپولیتیک

هر کشوری برای تأمین رفاه مادی و معنوی خود - که کسب استقلال، آزادی و آسایش و آبادی است - باید به قدرت ملی بيفزاید. سنجش این قدرت در مقایسه با قدرتهای سایر ملل همانند زمان گذشته بر پایه قدرت نظامی و جهانگیری نیست، بلکه قدرت ملی در دنیای قرن بیستم متکی به عواملی است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم.

- ۱ - وجود منابع طبیعی غنی.
- ۲ - قدرت بهره‌برداری از این منابع.
- ۳ - قدرت تولیدات صنعتی و فنی.
- ۴ - قدرت تولیدات کشاورزی.
- ۵ - موقعیت ژئوپولیتیکی.
- ۶ - قدرت تربیت و آموزش و پرورش نیروهای انسانی.
- ۷ - قدرت فرهنگی و داشتن روحیه ملی.
- ۸ - قدرت ایمان و اعتقاد به یک ایدئولوژی مقدس.
- ۹ - قدرت مدیریت مدیران استراتژیک در به کارگیری این قدرتها با یک نگرش نظام‌دار که مظهر جامعیت محسوب می‌گردد.
- ۱۰ - قدرت سیاسی.

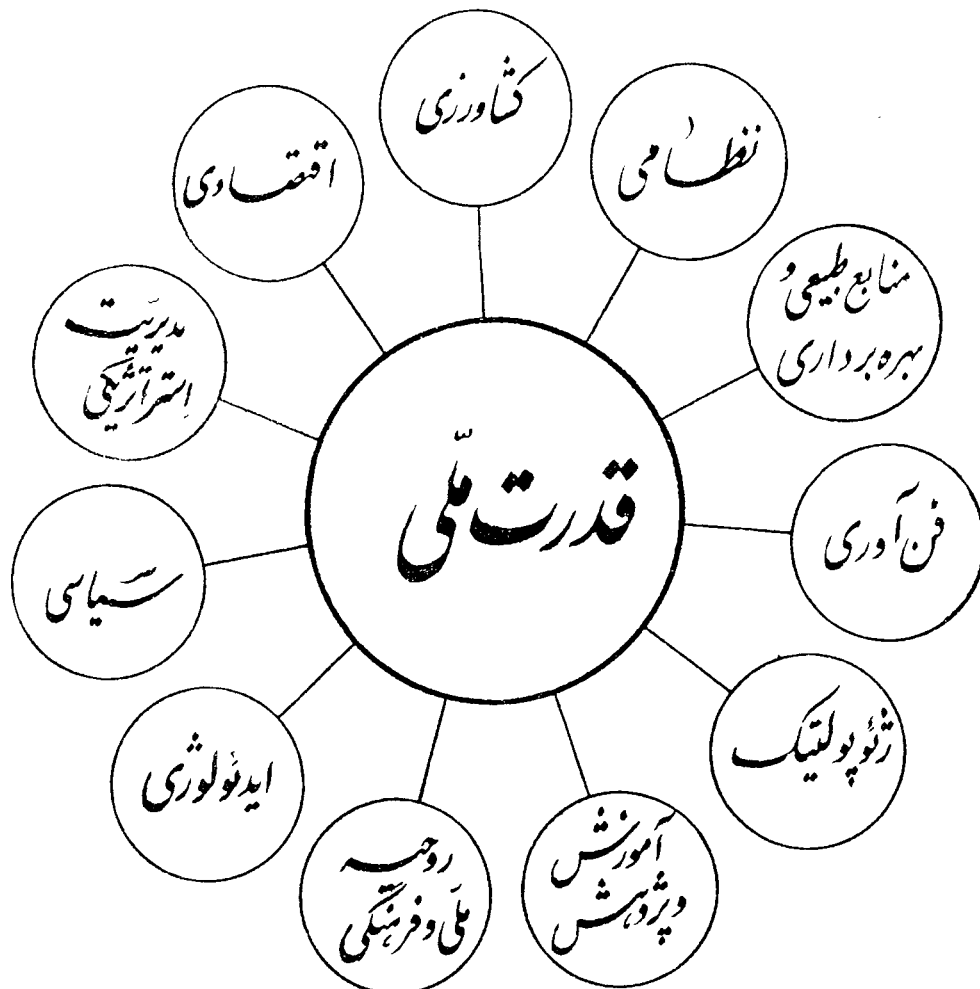
۱۱ — قدرت اقتصادی.

۱۲ — قدرت نظامی که در حقیقت در سایه سایر قدرتها به دست می‌آید.

بهره‌گیری صحیح و مدبرانه از این قدرتها به قدرت ملی یک سرزمین توان و قوام می‌بخشد و حصول اهداف ملی را میسر می‌سازد.

برای اینکه سیاستگذاران استراتژیک بتوانند با ژرف‌نگری این قدرتها را در جهت تحکیم استقلال و عظمت یک کشور به کار ببرند باید با تحلیلی مداوم و مستمر ابتدا روشن کنند که چه هدفهایی را تعقیب می‌کنند؟

دانشمندان این اهداف را به صورت خاصی طبقه‌بندی می‌کنند که به طور مختصر به آنها اشاره می‌کنیم:



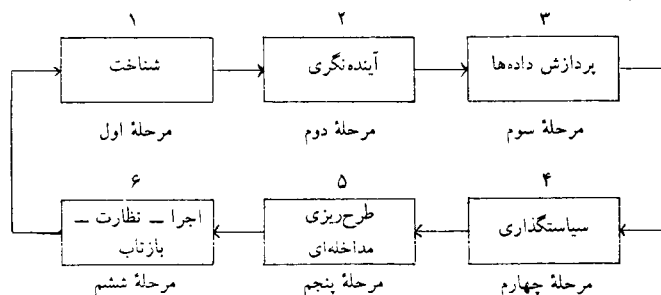
نمودار شماره ۱ عوامل قدرت ملی

- ۱ - هدفهای ایدئولوژیکی.
- ۲ - هدفهای جهانی.
- ۳ - هدفهای واقعی.
- ۴ - هدفهای کلی و مشخص.
- ۵ - هدفهای ظاهری.
- ۶ - هدفهای رقابتی.
- ۷ - هدفهای فوری.
- ۸ - هدفهای درازمدت.
- ۹ - هدفهای استراتژیکی.
- ۱۰ - هدفهای ژئوپولیتکی.

جهت تعیین و تبیین و شناخت این اهداف لازم است که ابتدا نکات اصلی هدف‌شناسی روشن بشود.

- ۱ - باید بدانیم قسمتهای استراتژیکی یک سرزمین کدامند؟
- ۲ - ماهیت وابستگیهای متقابل بین اهداف چیست؟
- ۳ - علل همبستگی و درجه ارجحیت این عوامل کدام است؟
- ۴ - عوامل ژئوپولیتکی مؤثر در هدف‌گذاری‌ها چیست؟
- ۵ - عوامل محیطهای خارجی و داخلی کدام است؟

با کشف و شناخت اهداف و پاسخگویی به این پرسشها - که بیانگر محدودیتها، امکانات، نقاط ضعف و نقاط قوت هستند، مدیران استراتژیک می‌توانند به شکل بسندی و صورت‌بندی^{۲۱} استراتژیک پردازند و در این کار باید از فرایندی عقلایی تبعیت کنند که این فرآیند شش مرحله دارد:



نمودار شماره ۲ تصویر ژئوپولیتک در فرآیند تعیین خط مشی

مرحله اول: مرحله شناخت، عوامل و منابع استراتژیکی و ژئوپولیتیکی با تقسیم کردن و انتراع عمیقانه و دقیق اجزاء در جهت ذره‌نگری، شناخت محیط خارج، محیط داخل، تهدیدها، موانع، کمبودها فرصتها، تعهدات، رقبا، گروههای فشار، اولویتها، منابع موجود طبیعی و انسانی، تواناییها، ضعفها، نیازها، روند تغییرات و تحولات تکنیکی است.

مرحله دوم: مرحله آینده‌نگری یا آینده‌شناسی روشن کردن تحولات و تغییرات در مواقع گریز ناپذیر آینده، آینده احتمالی و آینده مطلوب جهت تطبیق و داشتن انعطاف و همسویی با شرایط و تحولات و اطلاعات جهت حفظ موجودیت ملی، امنیت ملی، صلح، امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی، حفظ موقعیت ژئوپولیتیکی، تحکیم قدرت سیاسی، اقتصادی، فن‌آوری، بالابردن ظرفیت سرمایه‌گذاری، توان بخشیدن به قدرت نظامی و دفاعی برای ایجاد رفاه و آسایش مادی و معنوی ملت در آینده در سطح بین‌المللی و تحکیم ارتباطات می‌باشد.

مرحله سوم: پردازش و تقویم و تفسیر اطلاعات خام و داده‌ها در کلیه زمینه‌های موجود و آینده‌های سه‌گانه‌ای که به آن اشاره کردیم - بدیهی است با تشکیل یک بانک اطلاعاتی غنی و پر محتوی که ارزشیابی دقیق شده باشد، اعمال مدیریت استراتژیک و تعیین خط مشی با استفاده از نظام اطلاعاتی مدیریت امکان‌پذیر می‌شود و با اطمینان و قبول خطرات کمتری سیاستگذاران می‌توانند با دیدی روشن‌تر قدم چهارم را بردارند.

مرحله چهارم - تعیین خط مشی یا سیاستگذاری - زمینه‌هایی است که با توجه به ارزشهای شناخته شده، معنوی می‌تواند به چهره ملی درخشندگی ببخشد. سیاستگذاران باید با راهگشایی و دادن خط در سمت اهداف ملی ذکر شده، سیاست اقتصادی سالم و مترقی را با بهره‌برداری از موقعیت سرزمینی و ژئوپولیتیکی و منابع طبیعی و نیروی انسانی اتخاذ کنند تا علایق یک ملت تحقق پذیرد. بهترین تعریفی که دانشمندان از علایق ملی کرده‌اند، عبارت است از سرچشمه شناخت تواناییها و شناسایی ارزشهای ملی که موجب تعلق خاطر ملتی می‌گردد و احساسات ملی و عقیدتی و میهنی آنان را برمی‌انگیزد.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که مدیران رده استراتژیکی در چه زمینه‌هایی باید سیاستگذاری کنند و مدیران میانی یا رده اجرایی چه نوع تصمیمات تطبیقی^{۲۲} و تاکتیکی^{۲۳} باید بگیرند؟ و در راه سرپرستی که تصمیمات عادی گرفته می‌شود چه وظایفی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سه سؤال - که در رده مدیریتی همواره مورد بحث و توجه قرار گرفته

است - ابتدا زمینه‌های کلی و اصلی سیاستگذاری را نام می‌بریم و سپس در تشریح مراحل بعدی دربارهٔ وظایف مدیران میانی و سرپرستان توضیحات لازم را می‌دهیم. به منظور جلوگیری از اطالهٔ گفتار به طور خلاصه باید گفت تعیین خط‌مشی در ارکان چهارگانه استراتژی ملی (قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت اجتماعی) ضروری و گزیرناپذیر است. مشکلات موجود در زمان ما ایجاب می‌کند همگام با تحولات و تغییرات فنی و تکنیکی صناعی را در زمینه‌های مختلف که در ارتباط با قدرتهای چهارگانه هستند، نام ببریم. نظر به اینکه هدف از نگارش این مقاله تمرکز تلاش روی عوامل ژئوپولیتیکی است، سعی بر این شده که بیشتر به فعالیتها و تلاشهایی که در این زمینه و بعد باید صورت بگیرد، اشاره کنیم این زمینه‌ها به نظر نگارنده عبارتند از ایجاد خط‌مشی در:

- ۱ - صنایع استخراج معادن.
- ۲ - صنایع اقیانوس‌سنجی.
- ۳ - صنایع بوم‌زیستی.
- ۴ - صنایع کشاورزی.
- ۵ - صنایع غذایی.
- ۶ - صنایع پتروشیمی.
- ۷ - صنایع انرژی هسته‌ای (اتمی).
- ۸ - صنایع انرژی‌های غیرهسته‌ای.
- ۹ - صنایع بندرسازی.
- ۱۰ - صنایع کشتی‌سازی.
- ۱۱ - صنایع هواپیماسازی.
- ۱۲ - صنایع فرودگاه‌سازی.
- ۱۳ - صنایع داروسازی و شیمیایی.
- ۱۴ - صنایع نظامی و جنگ‌افزارسازی.
- ۱۵ - صنایع هیدرولیکی.
- ۱۶ - صنایع مهندسی ژنتیک.
- ۱۷ - صنایع فضایی.
- ۱۸ - صنایع الکترونیکی.
- ۱۹ - صنایع حمایت از محیط‌زیست.
- ۲۰ - صنایع لیزری.

- ۲۱ — صنایع جاده‌سازی.
- ۲۲ — صنایع سدسازی.
- ۲۳ — صنایع ماشین و تراکتورسازی.
- ۲۴ — صنایع کارخانه‌سازی.

مرحله پنجم — در این مرحله که طرح‌ریزیهای مداخله‌ای^{۲۴} به صورت برنامه‌ریزی^{۲۵} پروژه‌نگاری^{۲۶} و تعیین عملیات و فعالیت با پیروی از روشهای خاص و شناخته شده و مدل‌هایی که در پژوهش عملیاتی ابداع شده است، نظیر پرت^{۲۷} و پیروی از روشهای مسیرهای بحرانی^{۲۸} انجام می‌پذیرد، می‌تواند در موارد زیر راهگشا باشد.

- ۱ — توسعه تفکر و اندیشیدن به شکل استراتژیک.
- ۲ — شناخت جهت‌گیری منطقی به سوی آینده.
- ۳ — تعیین خطوط مشی استراتژیک در زمان حال با توجه به بازتابهای آینده.
- ۴ — روش‌بینی بیشتر و اندوختن تجربیات عملی جهت تدوین و تکمیل خطوط مشی در آینده.
- ۵ — تدوین و توسعه و تبیین اصول و مبانی عقلایی و قابل دفاع منطقی جهت تصمیم‌گیری در رده‌های پایین‌تر.
- ۶ — رعایت حداکثر احتیاط و قبول حداقل خطر در راه‌های اجرای تصمیمات و خط‌مشیها.
- ۷ — ایجاد گروههای کار و اجرا با رعایت تخصص و اصول کارشناسی.
- ۸ — رویارویی با عوامل محیطی، روش‌بینی، داشتن اطلاعات و شناخت قبلی.
- ۹ — تضمین و تحصیل اهداف ملی و بهبود عمل‌کرد رده‌اجرایی.
- ۱۰ — روشن‌سازی و تعیین رده‌های مختلف در نظام کل و تعیین وظایف خرده نظامها. (در نمودار شماره ۳ این رده‌ها نشان داده شده است)

مرحله ششم: مهمترین مسئله که باید در این مرحله به آن توجه کرد نقش اجراکنندگان و همبستگی بین رهبری و مجریان و عوامل محیطی است که متأسفانه ما فقط به رده رهبری توجه داریم و کمتر به آموزش در رده‌های اجرایی پایین که اثر حیاتی دارند می‌پردازیم. مهمترین وظیفه رهبران در ارتباط با این رده‌های اجرایی کنترل و نظارت و تصحیح و هدایت است که مستلزم دریافت بازتابهای مستمر و دائمی از چندین مسیر است می‌باشد.

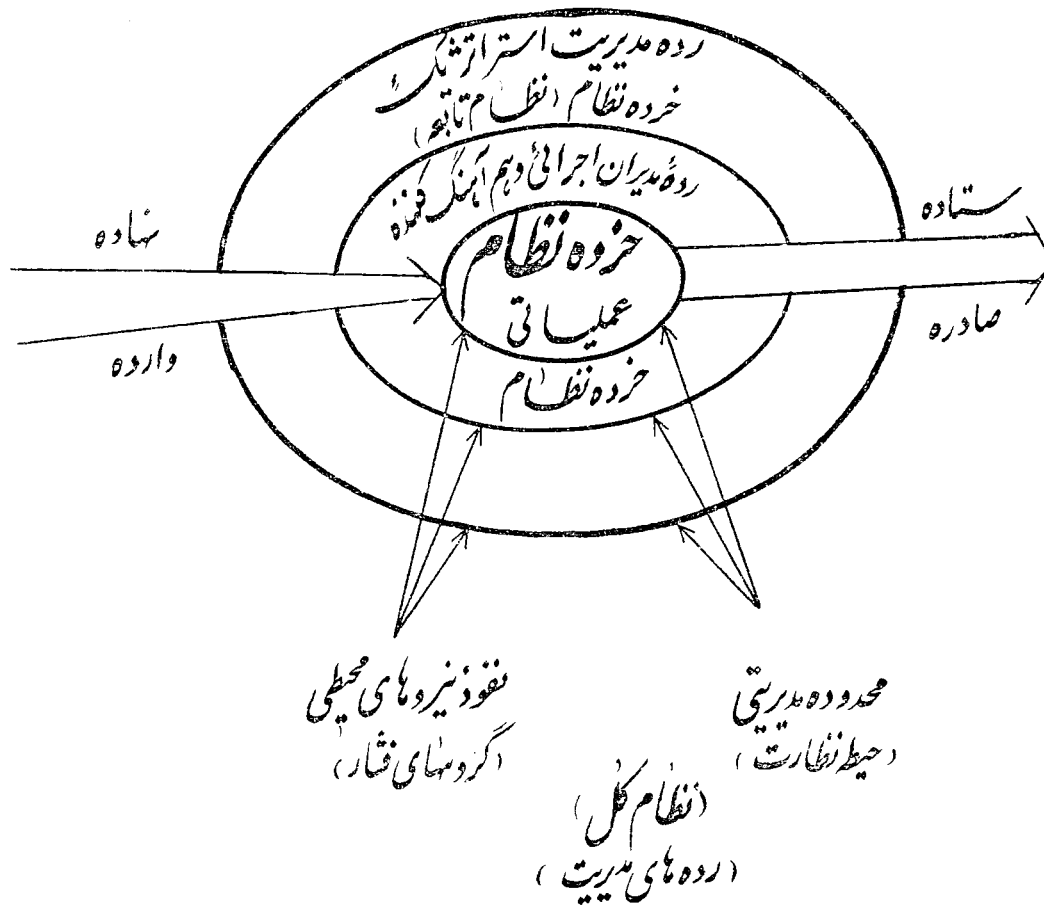
24 - Intervention Planning

25 - Programing

26 - Projects

28 - CPM = Critical Path Methods

27 - PERT = (Program Evaluation Review Technique)



نمودار شماره ۳ (نظام کل) رده های مدیریت

بررسی عوامل ژئوپولیتیکی

عواملی را که در دانش سیاست جغرافیایی مورد توجه و ارزیابی قرار می گیرند و می تواند در سرنوشت کشور و منطقه و قاره ای که در آن واقع شده نقش سازنده داشته باشد. و بر پایه قانون انتقال فشار در^{۲۹} فیزیک در سرنوشت کشورهای همسایه و ملل دیگر جهان اثر بگذارد، در نمودار شماره ۴ نشان می دهیم. در حقیقت این عوامل موجب می شود که یک کشور بتواند با استفاده از موقعیت خاص خود در مسائل منطقه ای و جهانی اعمال نفوذ کند. این عوامل را که به صورت اقمار در منظومه ژئوپولیتیکی نشان دادیم، به طور اختصار

مورد بحث قرار می دهیم:

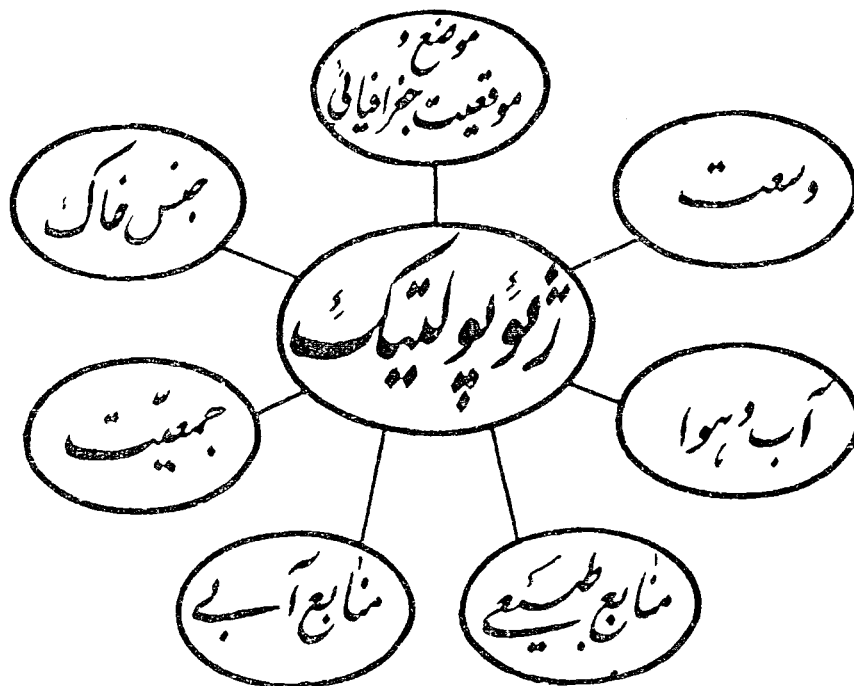
۲۹ - اگر به سطحی از مایعات فشار وارد شود این فشار به تمام سطوح منتقل می گردد.

در مورد موقعیت جغرافیایی باید دید که یک کشور در کجا قرار گرفته؟ آیا بندریهای آزاد راه دارد؟ آیا به وسیله کشورهای همسایه محاصره طبیعی شده است؟ آیا جزیره ای است در اقیانوس؟ با سواحل چه فاصله ای دارد؟ آیا در خط استوا و مناطق عاره واقع شده؟ آیا در قطب شمال و سرزمینهای یخ زده قرار دارد؟ آیا در مسیر شاهراههای بین المللی واقع است آیا تنها دالانی است که به آبهای گرم دسترسی دارد؟ آیا برای سرپل گرفتن و ورود و صدور^{۳۰} کالاهای بازرگانی و ابزار جنگی مناسب است؟ آیا مجهز به بنداری که از ظرفیت چشمگیری برخوردار است می باشد؟ آیا در همسایگی قدرتهای بزرگ جهانی قرار دارد؟ با چند کشور هم مرز است؟ طول مرزهای ساحلی اش چند کیلومتر است؟ همسایه ها به کدامیک در ابر قدرت شرق و غرب هم بسته اند؟ آیا موقعیتش با منافع قدرتمندان در اصطکاک است؟ به طور خلاصه آیا دارای موقعیت ژئوپولیتیک ویزه می باشد؟ می تواند جزء سرزمینهای کلیدی در منطقه و جهان محسوب بشود؟ اگر تزلزل در موقعیت ژئوپولیتیک این سرزمین حاصل بشود آیا موجبات ناندنی در منطقه و قاره و جهان و بوجود آمدن جنگهای منطقه ای و احیاناً جهانی و بین المللی می گردد؟

به طوری که ملاحظه می شود مطالعه و امعان نظر در اهمیت ژئوپولیتیک در مدیریت استراتژیک و خط مشی دهی استراتژیکی شدیداً در سرنوشت ملتها و سیاستگذارسیهای بین المللی اثر مستقیم می گذارد و کوچکترین اشتباه در بهره گیری از این قدرت و موقعیت خداداده گاهی فاجعه آفرین است. با صراحت باید اعلام کرد که «سیاست خارجی همه ملتها متکی به سیاست جغرافیایی می باشد».

برای مثال نقش ژئوپولیتیک را در اتحاد جماهیر شوروی می توان مورد بازنگری قرار داد محدودیتهای ژئوپولیتیک این سرزمین وسیع با وجودی که سیبری را در اختیار دارد موجب گردیده که نام این کشور به عنوان «غول کسور» در صحنه بین المللی مطرح شود و صیت پطر با اصطلاح کبیر تلاش در جهت دسترسی به آبهای گرم بود. چون در کنار دریای یخ بسته اُختوکس برپا کردن بندری بین المللی اسکان پذیر بود و لذا ایالات متحده آمریکا با تلاش بسیار هشتصد هزار سرباز مجهز در حلقه آخر پیمان ناتو تدارک دیده و چهل و نه پایگاه نظامی و اطلاعاتی و استراق سمع در ترکیه برپا داشته است. ورود به مدیریتانه از گلوی داردانل و سفر به دریای اژه و سیاه با وجودی که دالانسی طویل جهت تسلط بر دریاهای آزاد است، از آرزوهای دیرینه سیاستگذاران روسیه محسوب می گردد.

وجود بنادر یخ زده طرح ریزیهای استراتژیک اقتصادی و سیاسی و نظامی را محدود کرده و هزینه های سنگینی را بر روسیه جهت حضور در صحنه های قدرت آزمایی بین المللی



نمودار شماره ۴ عوامل ژئوپولیتیکی

و بازارهای اقتصادی تحمیل کرده است

اما عامل وسعت نیز پدید آورنده قدرت مانور و تأمین کننده فرصت در جهت امنیت ملی محسوب می‌گردد. ناپلئون با همه عظمت، هیتلر با همه قدرت، چنگیز با همه سخت‌کوشی و قساوت در جنگ با روسیه و تسخیر این سرزمین وسیع با مشکلات بسیاری روبرو شدند. داکترین خرم‌ن‌های سوخته و وسعت سرزمین روسیه ایجاد اختلالات کشنده‌ای را در مدیریت لجستیکی و سوق‌الجیشی به وجود آورد که جان میلیون‌ها نفر را در پهنه گجسته این دشت‌ها ستاند. علاوه بر این امتیاز امکان گسترش تأسیسات نظامی و جلوگیری از آسیب‌پذیری و کم‌کردن قدرت تخریب و آثار رادیو اکتیو اثر ترکش بمب‌های اتمی را کاهش می‌دهد. ضمناً احتمال وجود منابع طبیعی در این اراضی وسیع و ذخائر ارزشمند به این قبیل کشورها قدرتی انوشه می‌بخشد که می‌تواند ابزار آراینده‌ای در مدیریت و طرح‌ریزی‌های استراتژیک محسوب گردد. البته وسعت موحد مرزهای طولانی که احتیاج به پاسداری و حفاظت و استقرار نیروهای نظامی و امنیتی دارد نیز می‌گردد، مخارج سنگینی دربردارد. به علاوه مستلزم سرمایه‌گذاری در احداث جاده‌های طولیل و وسیع و فرودگاه‌ها و راه‌آهن اقدامات لازم برای حفظ و نگهداری این راههای مواصلاتی

نیز می‌باشد. برای روشنگری اهمیت وسعت می‌توان سرعت تصرف و تسخیر کشورهای کم‌وسعت را که توسط آلمان هیتلری در اروپا انجام گردید مجسم کرد. نقش آب و هوا علاوه بر اینکه در پرورش انسانها، گیاهان و اجسام و کشاورزی و پاکیزگی محیط زیست و یا بالعکس اثر دارد (گرمای شدید - سرمای سوزان) عامل مؤثری در امنیت ملی و رفاه اجتماعی محسوب می‌گردد. در صورتی که یک سرزمین مثل مناطق قطبی و یا استوائی باشد بدی آب و هوا موجبات رکود کارها و تعطیل شدن فعالیت و فزاینده محدودیت‌ها شده و گاهی ایجاد ناتوانی در تلاش‌های صنعتی، تولیدی، کشاورزی و اجتماعی می‌نماید. وجود کوههای یخ و قله‌های مستور از برف ضمن اینکه موقعیت دفاعی کشورهای کوهستانی را فراهم می‌کند مشکلاتی نیز به‌طور جانبی به‌وجود می‌آورد.

در مورد اهمیت جمعیت با وجودی که کثرت جمعیت و انفجار آن موجب به‌وجود آمدن فقر و آلودگی محیط زیست و مشکلات اقتصادی می‌شود نباید فراموش کرد که کشور فقیری مثل چین را در سکوی قدرت جهانی قرارداد و از حق و تو در سازمان ملل متحد (شورای امنیت) برخوردار ساخت هر چند امروز سخن از کنترل موالید^{۳۱} و طرح محدودیت خانواده^{۳۲} موضوع روز شده اما نمی‌توان انکار کرد که در سیاست جغرافیایی و طرح ریزیهای عملیات و بسیج نظامی چه کمی و چه کیفی نقشی اعجاب‌آور داشته و دارد. بین قدرت و جمعیت رابطه مستقیم وجود دارد. به قول سعدی بزرگ پشه جو پر شد بزند پیل را با همه تند و صلابت که اوست مورچگان را جو بود اتفاق شیر زیان را بدراند پوست امروز کشور هندوستان در صحنه بین‌المللی به علت فراوانی جمعیت با وجودی که سالانه چند میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند و میلیونها نفر در زیر آسمان بدون سرپناه و مسکن روزگار می‌گذرانند، در ردیف قدرتمندان میانی قرار گرفته است. ما هرگز عوارض جانبی کثرت جمعیت را که فقر اقتصادی و آلودگی محیط و آب و هواست انکار نمی‌کنیم باید توجه داشته باشیم سرزمینهایی مثل کانادا و استرالیا بعلاوه کمی جمعیت در پی جذب مهاجر هستند، منتها با توجه به نظریه تکنولوژی معکوس و جذب مغزها سعی‌شان در تخلیه متفکرین کشورهای دیگر است ولی در ابتدای کشف آمریکا این مسئله مطرح نبود بلکه برای کار در معادن ذغال و کشتزارها و جستجوگری معادن طلا به کمیت جمعیت توجه داشتند بدیهی است اگر یک کشوری با جمعیت انبوه از کیفیت و کمیت برخوردار باشد، کمال مطلوب است.

ضمناً نمی‌توان اهمیت استعدادهای خلاق و ارزش هوش، روح شجاعت ملی و فداکاری قدرت و تحمل مصائب و ایمان معنوی، وجود نظم و انضباط و تعاون و تشریک مساعی در طرح ریزیها و مدیریت استراتژیک را انکار کرد. وجود مختصات مثبت و کسار ساز، کسار مدیران استراتژیک را توان و پویایی می‌بخشد چنانکه امروز همه جیا سخن از خصلتهای مثبت مردم جزایر ژاپن است که در مقابل نقاط منفی آنان کفه ترازو سنگینی می‌کند. اما وجود منابع طبیعی از لحاظ کیفیت و کمیت که پایه اصلی ژئوپولیتیک محسوب می‌گردد، می‌تواند کلید بازگشایی روابط بین‌المللی و حضور در صحنه‌های تجاری داخلی و خارجی بشود، قدرت اقتصادی را افزون کند، توان مالی و صنعتی را بشرط داشتن لیاقت و امکان بهره‌برداری اوج بخشد. و در عین حال احتمال دارد که مانند پرتا ووس و پوست سمور و روباه، دشمن جان بعضی از سرزمین‌ها گردد و دارندگان آن را قهراً در معرض تطاول بیگانگان و قدرت پرستان که همواره در راه استعلائی خود دست به استثمار کشورهای دیگر می‌زنند قرار دهد صاحبان زر و زوری که با غارت کردن مواد خام و پربهای این قبیله سرزمینها و با دست خیره سران سرزمین فروش به اوج قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی می‌رسند. نباید فراموش کرد این دست درازها هرگز از اهمیت حقیقی کشورهای که دارای این ذخائر هستند، نمی‌کاهد.

سنگ بدگوهر اگر گاسه زرین شگند قیمت سنگ نیفزاید و زر گسم نشود بکارگیری این موهبتهای طبیعی و امتیازات الهی در گرو قدرت اندیشه مردان توانا و مدیران کارگشته استراتژیک در تعیین خط مشیها و تصمیم‌گیریهای عقلانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی می‌باشد.

کشورهای صنعتی جهت گسترش نفوذ در سراسر جهان به سرزمینهایی حقیقتاً تسفدم می‌دادند و می‌دهند که در سایه وضع جغرافیایی از امتیازات برجسته برخوردار باشند، مثل دسترسی به دریاها، وجود معابر طبیعی، منابع سرشار و زیر زمینی. چون نفوذ در این مناطق، به کشورهایی که دارنده تکنولوژی هستند قدرت صنعتی ارزانی می‌دارد. اگر ما از اهمیت جمعیت‌شناسی در ژئوپولیتیک صحبت کردیم و قدرت کمی نظامی را متکی به فراوانی جمعیت دانستیم، باید توجه کنیم که در جنگهای امروزی قدرت حمله و تفوق در عملیات رزمی متعلق به کشوری است که دارای بزرگترین و بیشترین نیروی صنعتی باشد.

کشور محبوب ما ایران جاودان به علت داشتن موقعیت کلیدی و خواص برجسته ژئوپولیتیکی در سراسر خاورمیانه و در کنار غرب، صدمات سنگین و جبران ناپذیری را در طول تاریخ تحمل کرده و همواره میدان تاخت تاز و عیشیان مغول، تاتار، تازیان، بربر، قزاقان

روسی و چشم آینه‌های بی‌حیا و خون‌آشام انگلستان قرار گرفته است. زیانهای معنوی و مادی ناشی از این حملات، خوددستانی است غم‌انگیز که باید چگونگی آن را در کتابهای زیادی که به وسیله محققان و دانشمندان بر رشته تحریر درآمده است، خواند و عبرت گرفت. دست داشتن ایران به دریاهای آزاد و آبهای گرم که در حقیقت آن را به صورت دروازه ورود به اقیانوس هند و اطلس شمالی و اطلس جنوبی و اقیانوس کبیر قرار داده و امکانات تأسیس بنادر حیاتی حاکم بر شاه‌رگ اقتصادی جهان را فراهم ساخته است، می‌تواند توفقی تحسین‌انگیز در طرح ریزیهای استراتژیک سیاسی، اقتصادی نظامی بازرگانی و بین‌المللی به کشور ما ببخشد. ایران زمین که تنها سرزمینی است که از روزگار باستان به یکتایی خداوند جهان آفرین دل بستگی داشت اگر کلید جهان نباشد، مفتاح اروپا و آسیا و آفریقا محسوب می‌گردد به گفته شادروان استاد عبدالعظیم قریب:

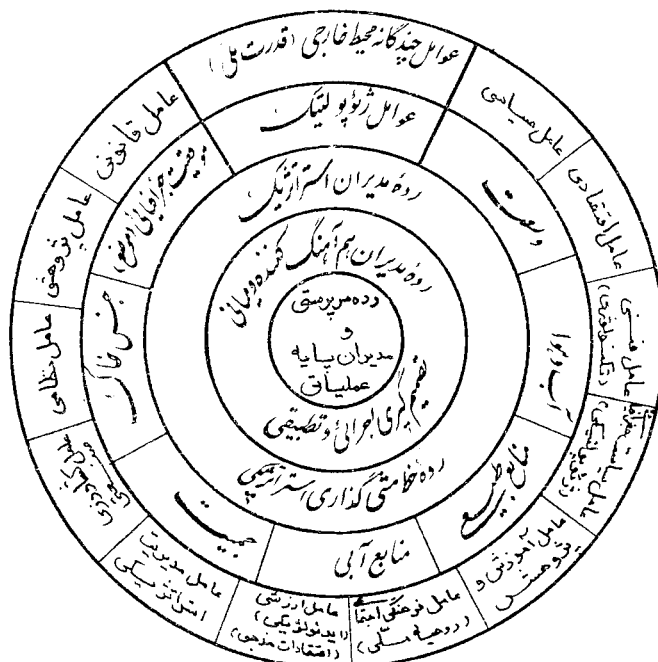
کشور ایران پاک رشک جهان است بهتر و برتر ز جمله ملوک جهان است
 منشاء فرهنگ و دانش است و فضیلت منبع توحید و گنج و شوکت و شان است

اهمیت ژئوپولیتیکی ایران

اینکه در جنگ بین‌المللی دوم به ایران لقب «پل پیروزی» داده شد می‌تواند شاهد صادقی بر اهمیت ژئوپولیتیکی و موقعیت حساس میهن عزیز ما باشد. بی‌مناسبت نیست که در این شکوه و جلال و حیثیت و اعتبار سخن بمیان آوریم و اندکی از این موقعیت خداداده و بلایای ناشی از آن را مورد بحث قرار دهیم.

پس از فتوحات سردارنامی ایران نادرشاه افشار کشور ایران بعد از سالها تحمل ستم بیگانگان و افغانان باوج عظمت رسید. ایران در این هنگام بیش از یکصد میلیون جمعیت داشت که در مقام قیاس با کشورهای روز جزء پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌گردید. دولت استعمارگر و محیل انگلستان با نفوذ در دربار کریم‌خان زند پس از عقد قرار دادی بظاهر بازرگانی نمایندگان سیاسی خود را زیر پوشش امین‌التجار در مرکز اطلاعاتی خود به عنوان اطاق تجارت مستقر کرد و با طرح ریزیهای استراتژیک مسزورانه درصدد تجزیه ایران بزرگ برآمد.

ابتدا مقدمات تجزیه گرجستان ایران و سپس شعله ورسازی آتش جنگ بین ایران و روسیه را در ۱۲۲۸ هجری قمری فراهم آورد که منجر به تنظیم عهدنامه گلستان شد. این ضربات نخستین بر پیکره تمامیت ایران امنیت ژئوپولیتیکی ما را به مخاطره انداخت. ده سال بعد که عباس میرزای دلاور موفق بتار و مسار کسردن ارتش عثمانی شد و نسقاط حساس



نمودار شماره ۵ تصویر کلی عوامل ژئوبولیتیکی

استراتژیکی منطقه مثل ملازگرد، تفلیس، موش، اخلاط و عادلجواز و ارجیش و خوسن را متصرف گردید، این فتوحات در پیکر سیاستگذاران انگلستان لرزشی بوجود آورد. برای تضعیف حریف (روسیه تزاری) و جلوگیری از دسترس به آبهای گرم و بمنظور حضانت هندوستان و برای درهم شکستن قدرت ایران با نقاب زدن بر چهره ناپاک و پلیدش انتزاع وجدایی ماوراء قفقاز و شهرهای حساس کنار دریای خزر را طرح‌ریزی کرد در این جنگ با خنجر زدن از پشت به نیروهای ایرانی و با میانجیگری‌های تزویرآمیز معاهده ترکمن‌چای را به ایران تحمیل کرد. موقعیت ژئوبولیتیکی ایران مسلط به آسیای صغیر و کشورهای اروپایی در منطقه را از کشور ماستانده. برای اینکه بتواند نفوذ جغرافیایی و سرزمینی ما را در سواحل خلیج فارس و اقیانوس هند متزلزل کند با برپایی قلاع نظامی در بسوشهر و گسیل داشتن ناوگان دریایی به بهانه مبارزه با برده فروشی و دسیسه‌های خیانت‌آمیزی را که امروز بر همه جهانیان مسلم و روشن شده است آغاز کرد. بزرگ مردی چون قائم مقام فراهانی را که دستیاران خیانت پیشه انگلستان را به بند کشیده بود، توسط دست‌های نامرئی جاسوسان خویش بقتل رسانید. این بزرگ مرد قبل از رسیدن به مقام صدارت با قلمی شیوا که به منشآت قائم مقام مشهور است نامه‌ای عتاب‌آمیز به صدر اعظم وقت نوشت و او را از اعمال

پشت پرده آگاه ساخت نامه با این بیت پر معنا شروع می‌شود.
 «ترسَمَت‌ای خفته در دامان کوهی سیل خیز خواب‌نگذاری ز سر تا آبت از سر بگذرد»

بالاخره با حمایت از عنصری جاه طلب و قدرت‌جویی شناخته شده و خود فروخته به نام آقاخان محلاتی با وعده دادن سلطنت کرمان و بلوچستان و واگذاری اسلحه و مهمات از راه دریا در بندرعباس در ۱۲۶۰ هجری توسط این مرد که چهره مذهبی اسماعیلی از قبل ساخته شده داشت، توانست در گوش جان کلات حلقه بندگی بیاویزد. مقدمات جدایی و تجزیه بلوچستان را فراهم آورد به بهانه کشیدن خطوط تلگراف توسط «گلداسمیت» به میل خود سرحدات را مشخص و نقاط حساس و کلیدی و ژئوپولیتیکی و استراتژیک و تاکتیکی منطقه را بتصرف درآورد. پس از تعیین مرزین کرمان و کلات و سیستان تا کوهک در ۱۲۹۳ با کمک دغل دوستانی که گرد شیرینی جمع می‌شوند قسمت عمده‌ای از خاک ایران را تا کنار رود سند با دست آقاخان بظاهر ایرانی و سرگرد انگلیسی بنام «ساکس» — که بعدها بدرجه ژنرالی رسید — کشوری را که چون عقابی بر نقاط حساس ژئوپولیتیکی منطقه بال و پر گسترده بود، بی‌بال و پر ساخت و پای در بند کرد. به طوری که پس از سالها با وجود گشوده شدن این بند از پای ما باید بگوییم:

گرفتم آنکه گشایند پای بسته ما چه می‌کنند ببال و پر شکسته ما
 با این اقدام نقاط حساس ژئوپولیتیکی و سواحل رودخانه‌های مُشکل و ایل بار و احمدرای و جالسک از پیکر مام وطن جدا شد.

بالاخره نوبت جدایی جزایر خلیج فارس و بحرین رسید. بالطائف الحیل به بهانه اجاره نشینی بحرین را از ایران گرفتند. برای جدایی منطقه هرات از ایران یک جاسوس زبردست یهودی انگلیسی را در خاک بختیاری مستقر کردند. بحرین که نام اصلی و ایرانی آن اووال است و در کنارش جزیره کوچکی بنام مُحْرِق قرار دارد و همچنین مسقط که از چند هزار سال قبل متعلق به ایران بود در ۱۲۸۷ به اجاره رفت و از منطقه نفوذ ژئوپولیتیکی ما خارج گردید. از معاهده ننگین ۱۹۰۷ میلادی بحث نمی‌کنیم چون نوشته ما پیرامون نقاط حساس سیاست جغرافیائی است نه مسائل سیاسی ناب و خالص. ولی چون این معاهده اهمیت ژئوپولیتیکی ایران را بدونیم کرد فقط به ذکر این نکته اشاره می‌کنیم که روسهای تزاری خط تلگرافی در کشور بی‌صاحب آن روز تاشهر زاهدان (دزد آب) کشیدند این عمل مورد اعتراض انگلیس قرار گرفت. چون معتقد بود تا قائنات زیر منطقه و نفوذش قرار دارد. این اعتراض ماجراهای بسیاری بدنبال داشت. بالاخره در سیال ۱۲۹۶ شمسی که بغداد تیول انگلستان شد از سه طرف ایران را مورد تجاوز و اشغال نظامی قرار دادند در نتیجه از ایران

نادری، هرات، قندهار، کابل تا ساحل رود سند جلا شده. بهره برداری از معاهده گلستان که به تحریک انگلیس‌ها در ۱۸۱۳ منعقد شد و جنگ مجدد ایران و روسیه که در ۱۸۲۶ میلادی (۱۲۴۱ هجری) تا ۱۸۲۸ (۱۲۴۳ هجری) معاهده ترکمن چای بدنبال داشت آنچنان جزراتی بانگلستان بخشید که با کمال جسارت در ۱۸۳۸ میلادی (۱۲۵۴ هجری) با اعزام قسوی جنگی دریایی و تصرف جزیره خارک محمد شاه قاجار را که هرات به محاصره اش درآمده بود مجبور به بازگشت کرد. مالک سیاسی افغانستان و دامنه‌های سلسله جبال هیمالیا شد. به دنبال معاهده تجاری شبیه ترکمن چای با گرفتن امتیازات از ایران و برانگیختن فتنه آقاخان، و بوجود آوردن اختلافات مرزی با عثمانیان آتش فتنه محمد علی باب و بایبها و ازلیها را که خود فروخته بود، دامن زد، بزرگ مردی مثل قائم مقام فراهانی را (۱۲۵۱ هجری) بسا شهادت از سر راه خود برداشت. خلاصه اینکه در زمان ناصرالدین قاجار رگ حیات ایران نوین میرزاتقی خان امیرکبیر را در کاشان زد و با خون پاکش پرچم ایران را گسلگون‌تر ساخت.

کلیه این ترندها و اقدامات به خاطر درهم شکستن موقعیت ژئوپولیتیکی ایران بود تا اینکه با کشف شدن چاههای نفت در منطقه و اهمیت یافتن این ماده ژئوپولیتیکی به نام طلای سیاه گرفتاریهای بسیار مصیبت بار جدیدی به ایران عزیز تسخیر کرد. در جنگ اول بین الملل ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ و در جنگ دوم بین الملل ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ به علت اهمیت ژئوپولیتیکی وطن ما در عین بیطرفی مورد تجاوز و اشغال قرار گرفت.

امروز با رها شدن از بندهای اسارت بین المللی باید رهبران و مدیرانی که خط مشی مملکت را تضمین می کنند، به اهمیت و عظمت موقعیت ژئوپولیتیکی ایران که گلوی هر مرز را در دست دارد پی ببرند و با توجه به ۲۷۰۰ کیلومتر مرز با شوروی و داشتن چند صد کیلومتر مرز دریایی در جنوب و عنایت به این نکته که در کنار جزیره پریم در مدخل بساب المندب سکوی پرتاب روسها و جزیره دیوگار سیای انگلیسی که به ملکیت آمریکا درآمده قرار داریم وجود ناوگان دریائی عظیم همه آنهایی که قدرت جوئی می کنند در منطقه حضور دارند در راه حفظ امنیت ملی و اقتصادی و سیاسی کوشا باشند و این شعار را همواره در مدنظر قرار دهند که:

همه چیز ممکن است در منطقه تغییر پذیرد بجز موقعیت ژئوپولیتیکی ایران

برای آگاهی بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:

۱ - کتابهای منتشر شده در دانشکده بین المللی نیروهای مسلح آمریکا در واشنگتن ۱۹۶۰ (و)

- چاپهای بعدی تا ۱۹۹۰) در زمینه امنیت ملی سیاسی و اقتصادی و نظامی.
The Economic & Politic and Military of National Security International College of the Armed
Forcess Washington D. C.
- ۲ - جزوه‌ها و نشریات دانشگاه پدافند ملی سابق دانشکده مدیریت و امنیت ملی از سال
۱۳۴۳ تا ۱۳۵۰.
- ۳ - کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹ نوشته آقای محمود محمود ۱۳۵۳
شرکت نسبی اقبال و شرکا.
- ۴ - دست پنهان سیاست انگلیس در ایران نوشته خان ملک ساسانی ۱۳۳۱ از انتشارات
سازمان اسنادار
- ۵ - تاریخ روابط بین‌الملل اثر پیر رونون Pierre. Ronouvin و ژان بانیمت دوروسیل Jean.
Baptiste Duroselle ترجمه احمد میرفندرسکی از انتشارات مرکز مطالعات بین‌الدلی
تهران ۱۳۵۴
- ۶ - تاریخ نوین ایران نوشته پرفسور م. س. ایوانف M. S. Iwanow استاد دانشگاه مسکو
ترجمه هوشنگ تیزابی و حسین قائم پناه ۱۳۵۶ از انتشارات حزب منحل توده ایران:
- ۷ - شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی (تفسیری بر بحران موشکی کوبا) نوشته
گراهام تی آلیسن Graham T. Alison ترجمه دکتر منوچهر شجاعی ۱۳۶۴ از انتشارات
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸ - تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز ترجمه کیخسرو کشاورزی ناشر انتشارات پویش
چاپ اول ۱۳۵۹ - نوشته ا. آ. گراتوسکی، م. آ. واندامایو، گ. گاشلنگو
پروفیسور ای - پ - پتروشفسکی، پروفیسور م - ایوانف - ل - ک - بلوی.
- 9 - Systems: Research and Design Proceedings of the First system symposium at case institute of
technology By Donald R. Eckman N. Y 1961 John wiley & Sons Inc.
- ۱۰ - مقاله‌های مربوط به مدیریت استراتژیک نوشته دکتر محمد آهنچی شماره‌های ۲ و ۴
فصلنامه مدیریت دولتی.
- ۱۱ - نوشته‌های مدیریت استراتژیک، مقاومت در مقابل تغییر مدیریت استراتژی صنعتی
نوشته دکتر حسام‌الدین بیان چاپ ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸
- ۱۲ - فرایند خط مشی و سیاستگذاری نگارش دکتر حسام‌الدین بیان چاپ ۱۳۶۹
- ۱۳ - فن طرح‌ریزی استراتژیکی چاپ دانشکده علوم اداری و بازرگانی دانشگاه
تهران نوشته حسام‌الدین بیان سال ۱۳۵۰